



۱۲۱۵۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

کتاب حسن البیار
مؤلف محمد بن زید درانی

مترجم

موضوع

۹۰۷۳۵

شماره قفسه ۱۵۲۱۲

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

گور و زلفه

واجب

[illegible]

پادشاه خاقان خاقان پسر داد نرزه با بود و در ملک کن و آنس و پادشاه نادرش و در کابل و در بلاد و در بلاد
صالحات ایجاد بود و در سلطان احوال و فرزندان مصطفی میگرد و دیگر منشور و لایحه ها خلقت و الاغلاک
بنام محمد بن و قلع و الحاکم بر تخت پادشاه و هر گوارا که وقت پادشاه که حسن و حسین از رسول فرزند آرزو کنند
و رسول برهای خیزش و در زمانه حسن سلیمان و در بدین احوال رسید که پسر داد نرزه گفت خاقان که از آن رسول
و طفیل اوست سلیمان نیز میخواست که خود را بر سر آفرین خاندان بنده باد و دولت این خاندان بر ملک نشود
پس گفت پسر بودی که حسن و در آن وقت بود که در آن خاندان که رسول این خاندان که در حضور حاضر بود گفت ای سلیمان
و ای طالع عادل اگر از این طریق حسن و حسین بودی گفت باید که بیایم و بیایم که کار و راه را در این راه بیایم
در حضرت مصطفی آب رویی آب سلیمان و در هر دو ایضا بودی دادی و بگفت که اهل بیت رسول و این دو دولت
آن روز بختند آن مرد که در روزگار رسول رسید پس بگو رسول نشسته بود و حسن و حسین بر پا نشستند
و آب روی نشسته بودند که از آن خط و از آن کار که نشسته و نشسته ای طالع که از آن فرزند و حسن و حسین گفتند
با جدی که با خیزش و بیاید نهجی در مسکن بود و نهجی در راه و در راه و در راه و در راه و در راه و در راه
مورد انتظار بود که گفت با خیزش و در وقت آن وقت در این راه و در این راه و در این راه و در این راه و در این راه
نکاه و در هر دو در میان نشست و در میان نشست و گفتند ای طالع سلیمان این امانت سلیمان به تو است
که این راه بود که بنده بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
و طاعت رفت ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
به تو که بیاید ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
که بیاید ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
آن که بیاید ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
الحسن و حسین عبدالله از پیش از خدا و از پدر آن فرزند حسن و حسین که گفت بشی رسول رفتن چهره رسول و در هر دو
در حضرت رسول نشسته بود و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
با و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
آنکه چهره سلیمان و چهره رسول گفت ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
شام آمدی از پدر آن که در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
ایشان نزد برادر و کار و جدایشان و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
و از آن که بودی که الاط و خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
حسن گفت که کار و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
دید که کشتن ای طالع بیاید و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
بد که کار و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش
حسین که کار و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش و در هر دو در وقت خیزش

[illegible][illegible]

1811

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

کولان

غرائب الدول ووجعها

کشتگان

[illegible]

